



چرا امام سجاده (ع) به روش بیانی از سنخ دعا می‌پردازند؟

پس از واقعه عاشورا امام سجاده (ع) با ابراز پرمحتواترین دعا‌هایی که در تاریخ ثبت شده است، برای زمینه‌سازی فهم درست از دین، به تقویت مبانی اعتقادی مردم و ارتقای اخلاقی آنها همت می‌گمارند.

پس از واقعه عاشورا امام سجاده (ع) با ابراز پرمحتواترین دعا‌هایی که در تاریخ ثبت شده است، برای زمینه‌سازی فهم درست از دین، به تقویت مبانی اعتقادی مردم و ارتقای اخلاقی آنها همت می‌گمارند.

به گزارش خبرنگار مهر، به مناسبت سالروز شهادت امام زین العابدین (ع) یادداشتی شفاهی از حجت الاسلام و المسلمین دکتر سیدجواد مظلومی در پی می‌آید؛

برای آشنایی با جایگاه صحیفه سجاده خوب است که مقدمه ای را با عنوان «جایگاه دعا در معارف اسلامی» برای آن بیان کنیم. در مورد دعا در معارف اسلامی مطالب متعددی در آیات و روایات آمده که شاید اشاره به یکی دو نمونه از آن برای بحث ما کافی باشد. در قرآن کریم در آیه ۷۷ سوره ی فرقان می‌فرماید: اگر دعای شما نبود هیچ گاه خدا به شما اعتنا نمی‌کرد و اگر خداوند به ما اعتنا و توجهی دارد به سبب دعا‌هایی است از میان عبادت‌هایی که ما انجام می‌دهیم. یا در روایات؛ در روایتی کوتاه می‌فرمایند: الدعاء مخ العباد، دعا مغز عبادت است.

یعنی جان و روح تمام عبادت‌ها در دعا آشکار می‌شود، شاید سر اهمیت دعا در همین باشد که وقتی دعا اتفاق می‌افتد انسان باید دو مسأله را به خوبی درک کرده باشد: اول درک کرده باشد که خودش نیازمند است و دوم اینکه درک کرده باشد که خداوند بی نیازی است که می‌تواند نیاز او را برآورده کند.

اگر این اتفاق بیافتد، انسان طلب می‌کند و دعا می‌کند و از دیگری چیزی می‌خواهد... اگر انسان احساس کند که نیازی ندارد و آن کسی که در کنار او ایستاده قدرت برآوردن آن را ندارد هرگز به تقاضا دست نخواهد زد.

پس دعا مظهر ابراز نیاز بنده است به خدای بی‌نیاز، و شاید این سر عظمت دعا باشد که مصداق روشن نمایش "یا ایها الناس انتم الفقرا الى الله واللّه هو الغنی الحمید" است که ما هم فقر خودمان را احساس می‌کنیم و هم بی‌نیازی و قدرت و کمال نامحدود الهی را مشاهده می‌کنیم و به همین دلیل است که دعا پدیدار می‌شود و اهمیت پیدا می‌کند. در وصف دعا تعبیری را حضرت امام خمینی (ره) نقل می‌کنند بعضی از مشایخ شان؛ می‌فرمایند بعضی از مشایخ ما می‌فرمودند که قرآن، قرآن نازل است آمده است به طرف پایین و دعا از پایین به طرف بالا می‌رود و این قرآن صاعد است.

بنابر این دعا جایگاه بسیار ویژه ای را در بین انواع عبادت‌هایی که انسان‌ها می‌توانند انجام بدهند خواهد داشت و تعبیر توضیحی امام در این باره، تعبیر جالبی ست که می‌فرمایند: با دعا خود دعا کننده هم ارتقا پیدا می‌کند و به صعود و کمال می‌رسد، ولی این قابل درک برای همه‌ی انسان‌ها نیست و اهل فن می‌توانند این را درک کنند.

کتاب مبارک صحیفه سجاده مجموعه دعا‌هایی است که از وجود مقدس امام سجاده (ع) نقل شده است. وقتی که ما به این کتاب مراجعه می‌کنیم شاید اولین سوال این باشد: جایگاه و نقش صحیفه سجاده در آن دوران چیست؟ چرا امام سجاده (ع) به روش بیانی از سنخ دعا می‌پردازند؟

همه از تاریخ مطلع هستند که بعد قضیه عاشورا، دوران اختناق بسیار شدیدی شکل می‌گیرد و عملاً ائمه (ع) فرصت هیچ‌گونه مقابله‌ای با نظام حاکم را ندارند و به شدت تحت فشار و اختناق حاکم قرار دارند و نمی‌شود هیچ گونه‌ای مقاومت مسلحانه‌ای که به نتیجه برسد، انجام داد. نمی‌شود از مقابله سیاسی و اجتماعی و نظامی به پیروزی رسید و سر مشکلی که در عاشورا خودش را نشان می‌دهد، بحث بی‌ایمانی مردم است که حضرت اباعبدالله الحسین (ع) هم در روز عاشورا این را یادآوری می‌کنند که مشکل از این است که مردم به ایمان نرسیده‌اند.

برای جبران این نقیصه و زمینه‌سازی فهم درست از دین، وجود مقدس امام سجاده (ع) به تقویت مبانی اعتقادی مردم و ارتقای اخلاقی آنها همت می‌گمارند و درصدد این برمی‌آیند که دو مسأله را انجام بدهند:

۱- دانش نظری مردم را نسبت به معارف حق، تقویت کنند و آنها را باحقوق دین اسلام آشنا کنند. ۲- آنها را با اخلاق اسلامی نه تنها آشنا کنند بلکه پرورش بدهند که از طریق تطهیر اخلاق آمادگی این را داشته باشند که بتوانند در مسیر صحیح قدم بردارند و اگر بار دیگر واقعه‌ای مثل واقعه عاشورا پیش آمد همه در صف دشمنان اهل بیت قرار نگیرند و چون شکم‌هایشان از حرام پر شده است از فهم سخن حق باز نمانند.

در این راستا امام سجاد(ع) به ابراز زیباترین و بلندترین و پرمحتواترین دعاهایی می‌پردازند که در تاریخ ثبت شده است. این دعاها، دعاهایی ست که در حالت‌های مختلف و زمان‌های مختلفی از حضرت نقل شده که الان در غالبی با نام صحیفه سجادیه در اختیار ما قرار گرفته است.

آنچه که در صحیفه سجادیه به دست ما رسیده، جالب است که از دو طریق نقل شده است. راوی صحیفه کسی است به نام عمیر بن متوکل. او نقل می‌کند که من از یحیی بن زید، یعنی یحیایی که نوه امام سجاد(ع) است و فرزند زید شهید است، در ملاقاتی که با او داشتم این دعاها را گرفتم و سرش این است که برای اونقل کردم، قبلاً در مدینه بودم و خدمت امام صادق(ع) رسیده بودم و امام صادق(ع) برای من سخن گفتند.

یحیی بن زید سوال می‌کند: چه فرمودند درباره ما؟ راوی نقل می‌کند که از شهادت پدر شما که زید باشد متأثر بودند. بعد یحیی سوال می‌کند که درباره من چه گفتند؟ راوی از حضرت نقل می‌کند که ایشان بعد از کمی سر باز زدن می‌فرمایند: یحیی هم به سرنوشت پدرش دچار می‌شود! و در همین حالت است که یحیی صندوقچه‌ای را می‌آورد و از داخل آن صحیفه و نوشته‌ای طوماری را بیرون می‌آورد و مهر آن را می‌شکند و تحویل راوی می‌دهد و به او می‌سپارد که این را اگر نمی‌دانستم که جعفر که پسرعموی اوست و قطعاً مطابق با او خواهد بود هرگز از خودم جدا نمی‌کردم. این مجموعه دعاهایی است که پدرم زید از پدرش علی بن الحسین(ع) نوشته است.

راوی این مجموعه دعا را از یحیی بن زید دریافت می‌کند و وقتی به نزد امام صادق(ع) می‌آید و این قضایا را تعریف می‌کند و یحیی سپرده است که این دعاها را به پسرعمویش تحویل دهد، امام صادق(ع) هم یک صحیفه‌ای را می‌آورند و می‌گویند: این رو پدر من- یعنی امام باقر(ع) - از پدرش حضرت سجاد(ع) نگاشته اند و من شاهد بودم که امام سجاد این را املا می‌کردند و پدر من می‌نوشتند. راوی اجازه می‌گیرد که این دو صحیفه را با هم مقایسه کند. می‌گوید وقتی من وقتی مقایسه کردم دیدم اینها حتی در یک حرف هم با هم اختلاف ندارند.

دو گزارش از مجموعه ادعیه امام سجاد(ع) است. در این مجموعه آمده است که مجموعه این دعاهایی که در هر دو سند ثبت شده بوده است، ۷۵ دعا بوده است. از این ۷۵ دعا متأسفانه ۱۱ دعایش از بین می‌رود و ۶۴ دعا ثبت می‌شود و آنچه که الان به دست ما رسیده، فقط ۵۴ دعای صحیفه سجادیه است. حتی بخشی از دعاها مشهوری هم که امام سجاد(ع) نقل شده در این کتاب صحیفه سجادیه که در دست ما هست وجود ندارد؛ مانند دعای ابوحمزه ی ثمالی.

به همین دلیل است که برخی از بزرگان برای جمع آوری بقیه دعاهای امام سجاد(ع) کتاب‌های دیگری را نوشته‌اند که با عنوان: مستدرک صحیفه سجادیه از آن‌ها یاد می‌شود که این‌ها متعدد بوده‌اند و برخی از این کتاب‌ها تا بیش از ۱۸۰ دعا را در خودشان جای داده‌اند و اسامی‌ای چون صحیفه ثانیه و ثالثه و امثال این‌ها برای این کتاب‌ها تعیین شده است.

صحیفه سجادیه از یک نظر وقتی وارد مقوله دعا می‌شود آموزش عملی دعا کردن را هم به ما می‌آموزد؛ یعنی برخلاف انتظار عمومی ما از دعا که در آن آدمی از خدا چیزی طلب می‌کند، در بسیاری از موارد در صحیفه، ما عملاً می‌آموزیم که دعا آدابی دارد، آغاز و انجامی دارد و در بسیاری مواقع محدود به خواسته‌ای نیست و اگر خواسته‌ای هم هست، آن خواسته‌ها معمولاً خواسته‌های کمالات و حقایق و معنویات هستند.

اگرچه برای برآوردن خواسته‌های زندگی روزمره هم در روایات دعا، سفارش شده است، اما غرض اصلی از دعا و نقش سازنده دعا اختصاص به این مجموعه ندارد، بلکه باید بسیاری از معنویات را در دعا طلب کرد. همانگونه که در برخی از دعاها حضرت این را به خوبی بیان می‌نمایند. معمولاً دعای حضرت در آغاز با حمد و ثنای الهی آغاز می‌شود و در ابتدا به درخواست نمی‌پردازند. به حمد خداوند و توصیف حقایق می‌پردازند و به دنبال آن خواسته‌هایی همچون مغفرت، آمرزش، توبه و مکارم اخلاقی به عنوان مهم‌ترین دعاها- در این ادعیه بیان می‌شوند.

در کنار این نوع از ادعیه گاهی اوقات حضرت دقیقاً به موضوعات سیاسی و اجتماعی زمان خودشان اشاره می‌کنند. هرچند زبان، زبان دعا و مخاطب خداوند تبارک و تعالی است، اما حضرت با آموزش این مفاهیم، مردم را برای رساندن به آن کمال مورد نیاز برای ایجاد حرکت‌های اجتماعی راهنمایی می‌کنند. توجه به عنوان برخی از این دعاها برای ما به خوبی روشن کننده این مطلب

هست؛ در دعای چهاردهم: «وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اعْتَدِيَ عَلَيْهِ أَوْ رَأَى مِنَ الظَّالِمِينَ مَا لَا يُحِبُّ»

دعای آن حضرت هنگامی که ستمی بدو می‌رسید یا از ستمکاران، ستم می‌دید... د. دعایی که از عنوان آن مشخص است که در اعتراض به ظلم ستمگران گفته شده است.

یا مثلاً دعای بیست و هفتم صحیفه: «وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَهْلِ الثُّغُورِ»

دعای آن حضرت برای مرزداران. برای کسانی که در مرزها به دفاع از جامعه ی اسلامی مشغول هستند.

حتی حضرت دعایی برای خواسته دنیوی مانند مایحتاج زندگی دارند که تعبیرش این چنین است: «وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَتِرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ»

دعای آن حضرت، چون روزی بر وی تنگ می‌شد و طلب روزی است و لحن به این شکل آغاز می شود:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ، وَ فِي آجَالِنَا بِطُولِ الْأَمَلِ حَتَّى التَّمَسُّتَا أَرْزَاقَكَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْزُوقِينَ، وَ طَمِعْنَا بِأَمَالِنَا فِي أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِينَ.

خدایا تو ما را در روزی به سوء ظن دچار کردی و در طول عمر با آرزوی دراز تا آنکه روزی تو را از روزی خواران تو خواستیم.

یعنی به جای آن که ما برای طلب روزی، به درگاه تو بیاییم، به دنبال بندگان تو رفتیم! حتی طلب دنیا هم در اینجا صبغه توحیدی و الهی دارد. در بخشی از ادعیه، حضرت از حیث مضمون مسائلی کاملاً سیاسی و افشاگرانه را مطرح می‌کنند و به اعتراض علیه ظالمان دوره خودشان می‌پردازند و در آن جا تعبیری دارند که به خوبی بیانگر اعتراض ایشان بر حاکمان ظالم آن دوران است. در برخی از این ادعیه به این شکل وارد شده است:

در دعای معروف مکارم الاخلاق ایشان می فرمایند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَ لِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي، وَ ظَفَرًا بِمَنْ عَادَنِي، وَ هَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي، وَ قُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي، وَ تَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي، وَ سَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي، وَ وَفْقِي لِمَنْ سَدَّدَنِي، وَ مُتَابَعَةً مِمَّنْ أَرْسَدَنِي.

بعد از درود بر پیامبر و اهل بیت او از خداوند می‌خواهم که خدایا برای من قدرتی را قرار بده بر علیه کسی که در حق من ظلم کرد و برای من زبانی قرار بده که مقابله کنم با کسی که با من به دشمنی برخاسته، که در اینجا مشخصاً به طلب مقاومت در مقابل ظالمان زمان خویش می‌پردازند. یا در برخی دیگر از دعاها در دعای چهل و هفتم که دعای روز عرفه هم هست، ایشان توضیحاتی را در مورد اهل بیت (ع) بیان می‌کنند:

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْيَابِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ حَزَنَةً عِلْمِكَ، وَ حَفَظَةً دِينِكَ، وَ خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسْلُوكَ إِلَى جَنَّتِكَ.

در این عبارتها حضرت جایگاه اهل بیت (ع) را به عنوان کسانی که خزانه علم الهی و حافظان دین و خلفای خداوند و جانشینان خداوند روی زمین هستند، تاکید می‌کنند. و در واقع با تبیین جایگاه اهل بیت (ع) عملاً غاصبان و ستمکاران دوران خودشان را در نزد مردم افشا می‌کنند.

و یا در دعایی که در روز عید قربان و عید جمعه از ایشان نقل شده است که دعای چهل و هشتم صحیفه سجادیه است می‌فرمایند:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ مَوَاضِعَ أَمَتَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَرَوْهَا، وَ أَنْتَ الْمُقَدِّرُ لِذَلِكَ، لَا يُغَالِبُ أَمْرُكَ، وَ لَا يُجَاوِزُ الْمَحْنُومُ مِنْ تَدْبِيرِكَ

خدایا این مقام که مقام خطبه خواندن در این ایام عید است مقام جانشینان و برگزیدگان تو و جای امرای توست و پای بلندی ست که برای آن ها اختصاص دادی و اگر الان یعنی در دوران حضرت- به دست حاکمان و خلفا و مدعیان حکومت صورت

می‌گیرد، غصبی است که در حوزه حکومت اسلامی متاسفانه اتفاق افتاده و حضرت با این دعای خودشان در روز عید قربان این مسائل را افشا می‌کنند.

صحیفه سجادیه همیشه در نزد علما ازارج و مقام بسیار ویژه‌ای برخوردار بوده است. شاید برای اشاره به این مسأله همین کافی باشد که به وصیت نامه سیاسی-الهی امام اشاره کنیم که در آنجا ایشان می‌فرمایند: «ما مفتخریم که ادعیه حیات بخش که او را قرآن صاعد می‌خوانند، از ائمه معصومین ماست. ما به مناجات شعبانیه امامان و دعای عرفات حسین بن علی(ع) و صحیفه سجادیه-این زیور آل محمد(ص) - و صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است، افتخار می‌کنیم و از ماست.»

اینجا امام تصریح بر این دارند که یکی از افتخارات شیعه و اهل بیت کتاب صحیفه سجادیه است و در موارد فراوانی امام در مورد عظمت کتاب صحیفه سجادیه، نکاتی را می‌فرمایند که در ضمن گفته‌های ایشان آمده است که می‌فرمایند: شما اگر ادعیه امام سجاد(ع) و سایر ائمه(ع) را ملاحظه بفرمایید، مشحون است از اینکه مردم را بسازند برای یک امر بالاتر از آنچه که مردم عادی تصور می‌کنند. دعوت به توحید، دعوت به تذهیب نفس، دعوت به اعراض از دنیا، دعوت به خلوت با خدای تبارک و تعالی. معنی‌اش این نبوده است که مردم توی خانه‌هایشان بنشینند و از مسائل مسلمین غفلت کنند و مشغول ذکر و دعا باشند چنانچه خود آنها را که ملاحظه می‌کنید اینطور نبودند.

در سال‌های اخیر هم اتفاقی صورت می‌گیرد و در سال ۱۳۵۳ هـ. ق مرجع فقید شیعه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) نسخه‌ای از کتاب شریفه صحیفه سجادیه را برای علامه معاصر مؤلف تفسیر طنطاوی (مفتی اسکندریه) به «قاهره» فرستاد. وی در پاسخ چنین نگاشت: نامه گرامی مدتی پیش به ضمیمه کتاب صحیفه سجادیه از کلمات امام زاهد اسلام، علی زین العابدین، ابن امام حسین شهید، ریحانه مصطفی رسید. کتاب را با دست تکریم گرفتیم و آن را کتابی یگانه یافتیم که مشتمل بر علوم و معارف و حکمت‌هایی است که در غیر آن یافت نمی‌شود.

حقا که این از بدبختی ما است که تاکنون به این اثر گرانبهای جاوید از میراث های نبوت و اهل بیت دست نیافته‌ایم. من هرچه در آن مطالعه و دقت می‌کنم می‌بینم که آن بالاتر از کلام مخلوق و دون کلام خالق است، راستی چه کتاب کریمی است!

مقبولیت صحیفه سجادیه حتی در بین علمای اهل تسنن و حتی غیرمسلمانان هم بسیار فراوان است. کما اینکه ترجمه صحیفه سجادیه به زبان انگلیسی توسط دانشمندی از دانشمندان اسلام شناس که خود مسیحی است، به نام استاد ویلیام چیتیک صورت می‌گیرد و در توصیف این کتاب او عبارت‌های بلندی را در وصف عظمت کتاب صحیفه، یاد می‌کند.

بی‌شک هرکسی که از چشمه زلال صحیفه سجادیه نوشیده است همواره طعم گوارای این معنویت جاری در الفاظ را به خاطر خواهد داشت.